

تبیین جامعه‌شناسی نقش نظام آموزش در تغییر الگوهای کنش طراحان قالی

عبداله میرزایی^۱

۱- عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

چکیده

شهر تبریز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید قالی ایران به‌شمار می‌رود. مسئله اصلی پژوهش حاضر وقوع تغییرات گسترده در طرح و نقش قالی تبریز، مغایر با بنیان‌های سنتی و بومی هنر ایران است. با توجه به اینکه طراحان، محور اصلی دنیای تولید قالی تبریز را تشکیل می‌دهند، هدف از این پژوهش، شناخت فرآیندهای جامعه‌پذیری و تبیین رابطه میان نوع نظام آموزش و کیفیت الگوهای کنش آنان است. پژوهش پیش‌رو با استفاده از تحلیل محتوای داده‌های کمی و کیفی حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های میدانی کمی و کیفی با بیست نفر از طراحان مطرح قالی تبریز، انجام شده‌است. نتایج نشان دادند، به علت عدم تکمیل چرخه آموزش طراحان قالی تبریز و سیالیت فرآیندهای جامعه‌پذیری آنان، میزان دسترسی این افراد به انواع قواعد و قراردادهای لازم برای کنش طراحی قالی نیز متفاوت است. پیامد این کار، تنوع در کنش‌های طراحان و انحراف از مبانی سنتی طراحی قالی است؛ از این‌رو با توجه به نقش محوری نظام آموزش در جامعه‌پذیری و استمرار کنش‌های افراد، ارتباط مستقیمی میان مبانی و اصول نظام‌های آموزش و شیوه کنش‌مندی طراحان قالی تبریز وجود دارد. با اصلاح فرآیندهای جامعه‌پذیری طراحان قالی، می‌توان به ارتقای کیفیت کنش‌مندی طراحان قالی تبریز مطابق با معیارهای هنر سنتی ایران اقدام کرد. این پژوهش به لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است که با استفاده از قابلیت‌های روش تحقیق کیفی و به‌صورت توصیفی و تحلیلی و با رویکردی جامعه‌شناختی انجام شده‌است.

واژگان کلیدی: الگوهای کنش، جامعه‌پذیری، طراحان قالی، نظام آموزش، قالی تبریز.



Investigating the Types of the Borders in Safavid Carpets

Abdollah Mirzaei¹

1. Assistant Professor, Department of Carpet, Tabriz Islamic Art University, Tabriz (Corresponding Author)

Abstract

Tabriz is one of the major carpet production centers of Iran. In recent years, the vast majority of transition in designs and motifs of Tabriz carpets has caused numerous changes in stylistic personality and cultural foundations of Tabriz carpets, contrary to indigenous and traditional standards of Iranian art. Considering that carpet designers are regarded as the prime bases of Tabriz carpet production, the purpose of this research is to identify the sociability processes that explain the relationship between the type of education system and the quality of the action patterns of carpet designers. This research has been carried out with content analysis of quantitative and qualitative data gathered from library studies and field interviews with twenty well-known carpet designers of Tabriz. Results showed that due to incompleteness of training cycle, the diversity of sociability processes, and the access rate of carpet designers to different types of rules and agreements for designing actions yield different outcomes in the action pattern of designing. The consequence of this process is the variety of designer actions and deviations from traditional carpet designing methods. Therefore, with paying attention to the central role of education system in sociability, the direct relationship between the principles and foundations of educational systems and the methods of Tabriz carpet designer's action would be revived. In addition, by modifying the sociability processes of carpet designers, it is possible to improve the quality of the carpet designers' actions.

Keywords: Action patterns, education system, Tabriz carpet, sociability, carpet designers.



1. Email: a.mirzaei@tabriziau.ac.ir

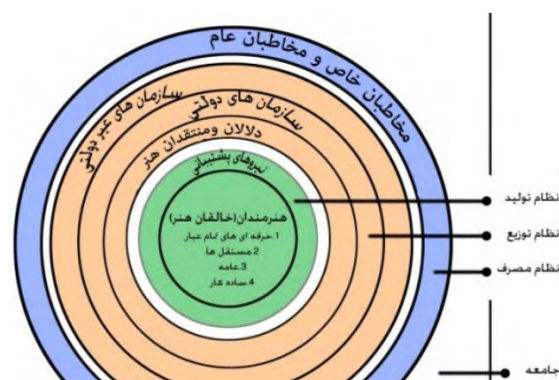
مقدمه

شهر تبریز به عنوان یکی از مهم ترین مناطق تولید قالی ایران در سده اخیر، هم به لحاظ ارزش و هم به لحاظ حجم تولید، جایگاه ممتازی در بین قالی های صادراتی کشور به خود اختصاص داده است. قالی های تولیدی این شهر، در تطبیق طرح و رنگ خود با سلیقه بازار، شهره جامعه فرش هستند. تبعیت از سلیقه بازار و تلاش برای برآورده کردن نیاز مشتری با تغییر مدام در طرح و رنگ قالی ها، سبب شده است تا سبک های طراحی فرش این شهر در نقطه مقابل طرح های سنتی منطقه هایی چون اصفهان قرار گیرند. (میرزایی و عارف پور، ۱۳۹۲: ۷۹). گریز از معیارهای سنتی طراحی فرش در دهه های اخیر، تغییرات متنوبی را در مؤلفه های دیداری قالی های تبریز در پی داشته است. این تغییرات باعث برهم خوردن انضباط سبکی و مبانی فرهنگی مستتر در طرح و نقش و رنگ قالی های این شهر شده است؛ به طوری که اغلب پژوهشگران، انحراف از معیارهای شناخته شده طراحی سنتی ایرانی- اسلامی و استفاده از عناصر بیگانه با فرهنگ بومی از طریق بافت همه نوع طرحی را مشخصه آشکاری در بیان ویژگی تولیدات معاصر تبریز بیان کرده اند (دانشگر، ۱۳۷۶: ۱۴۶؛ آذرپاد و حشمتی رضوی، ۱۳۸۳: ۲۵۷).

بسیاری از اندیشمندان اجتماعی مدرن که مطالعات خود را از کاستی های فرهنگی مدرنیته سرمایه داری و فایده گرا آغاز می کنند، عقیده دارند «جامعه بازار به میزانی که محاسبه گری های فایده باورانه را در زندگی روزمره معمول می کند، عملاً ریشه خود را هم، می زند؛ زیرا مدام شالوده های هنجاری و همبستگی آفرین خود را که برای ثبات خویش نیازمند آن است، فرسوده می سازد» (استینر و تونکیس^۱، ۱۳۹۰: ۱۴۷). تداوم روند تغییر در الگوهای کنش طراحان به عنوان کنشگران محوری نظام تولید قالی تبریز، تضعیف پیوندهای فرهنگی و هویتی این فرآورده فرهنگی ایرانی- اسلامی را در پی خواهد داشت؛ بنابراین لازم است تا با بهره گیری از دانش های میان رشته ای، محرک های عوامل موجد تغییر و انحراف از مبانی سنتی آن را شناخت و از این قالی ها به عنوان رسانه های قدرتمند و تأثیرگذار در مبادلات

فرهنگی بهره برد؛ زیرا «از منظر فرهنگی، تولید کالا همانند یک فرآیند فرهنگی و آگاهانه است؛ علاوه بر اینکه به لحاظ مواد اولیه بایستی همانند اشیا باشد، به لحاظ بازار فرهنگی نیز باید حامل یک نوعی از هویت باشد» (Kopytoff, 2011: 64).

علی رغم وابستگی فرآیندهای تولید آثار هنری به همکاری گسترده میان مجموعه ای از عوامل انسانی، فنی و غیره، در جامعه شناسی هنر، عنوان هنرمند به شخصی اطلاق می شود که «آن فعالیت کانونی را انجام می دهد که اثر بدون آن نمی تواند هنر باشد، هر آنچه هنرمند خود انجام نمی دهد باید شخص یا اشخاص دیگری انجام دهند. بنابراین هنرمند در مرکز یک شبکه مرکب از افراد متعاون کار می کند که کارهایشان برای فرآورده نهایی لازم است» (بکر، ۱۳۸۹: ۳۹۰) (تصویر ۱). چنین جایگاهی در دنیای تولید قالی تبریز، متعلق به طراحان قالی است که سهمی اساسی در ارتقای قالی دست بافت از سطح یک فرآورده دستی به محصولی فرهنگی و هویتی دارند.



تصویر ۱. مدل شماتیک دنیای هنر و جایگاه هنرمندان در آن از نگاه هوارد بکر^۲ (راوودراد و فاضل، ۱۳۹۴: ۶۰).

اهمیت و جایگاه طراحان قالی در جهت دهی و هویت بخشی به نظام طراحی قالی تبریز، نشان می دهد که هر گونه پژوهشی در تبیین دلایل تغییر در این نظام، ناگزیر از توجه به فرآیندهای جامعه پذیری این عاملان است. از منظر جامعه شناسی، فرآیند آشنایی و آماده سازی افراد نسبت به پذیرش نقش هایی که نظامها متناسب با مبانی و هنجارهای درونی خود پیش روی افراد قرار می دهند، جامعه پذیری نامیده می شود. به طور کلی در

طی این فرآیندها افراد ویژگی‌های لازم برای عضویت و سازگاری با اجتماعی خاص را کسب می‌کنند. از این ویژگی‌ها با عناوینی چون هنجارها، ارزش‌ها و سایر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی یاد شده است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴)؛ از این رو هدف اصلی این پژوهش ضمن پی‌بردن به ویژگی‌های عمومی طراحان قالی تبریز، شناخت فرآیندهای جامعه‌پذیری و سپس تبیین ارتباط میان نوع نظام آموزش و تغییر الگوهای کنش این طراحان است. با توجه به نقش فرآیندهای جامعه‌پذیری این طراحان در تداوم و یا تغییر الگوهای کنش و نیز جایگاه نظام آموزش به عنوان هسته اصلی فرآیند جامعه‌پذیری، سوالات پژوهش نیز بر شناخت فرآیندهای جامعه‌پذیری طراحان قالی معاصر تبریز و ارتباط میان نوع نظام آموزش و تغییر الگوهای کنش طراحان تمرکز دارند که عبارت‌اند از: ۱. جامعه‌پذیری طراحان در نظام طراحی قالی تبریز چگونه صورت می‌گیرد؟ ۲. چگونه می‌توان رابطه نوع نظام آموزش با تغییر الگوهای کنش طراحان قالی تبریز را تبیین کرد؟ فرضیه‌های تحقیق نیز مبتنی بر سوالات پژوهش عبارت‌اند از: ۱. با توجه به وقوع تغییرات متناوب در الگوهای کنش طراحان قالی معاصر تبریز، فرآیندهای جامعه‌پذیری طراحان فعال در این نظام از ثبات و الگوی منسجمی پیروی نمی‌کند. ۲. با توجه به نقش محوری نظام آموزش در جامعه‌پذیری و استمرار کنش‌های افراد، ارتباط مستقیمی میان مبانی و اصول پنهان و آشکار نظام‌های آموزش و شیوه کنش‌مندی طراحان قالی تبریز وجود دارد.

مبانی نظری

از منظر جامعه‌شناسی، آنچه باعث قوام‌بخشیدن به نظام‌های اجتماعی و گسترش و تداوم زمانی و مکانی آن‌ها می‌شود، برخورداری از استعداد و قابلیت یادگیری نزد عاملان انسانی درگیر در این نظام‌هاست. پیرسون^۲، ضمن تشریح جایگاه آگاهی عاملان و قابلیت دانش‌افزایی آنان در تداوم ساختارها و اصول و مبانی انسجام‌بخش نظام‌ها، عقیده دارد: «بدون قابلیت دانش‌اندوزی عاملان، ساختارها و نهادها وجود نخواهند داشت؛ زیرا معرفت اصل اساسی بازتولید اجتماعی است» (۱۳۸۴: ۱۴۶). اهمیت جامعه‌پذیری و شناخت فرآیندهای

اجتماعی شدن افراد، برای فعالیت در میدان‌های اجتماعی و هنری باعث شده است این حوزه در دهه‌های اخیر به یکی از دل‌مشغولی‌های مهم اندیشمندان اجتماعی تبدیل شود. اینان در مطالعات خود در پی شناسایی عوامل، سازوکارها، راهبردها و راهکارهای اجتماعی شدن افراد و گروه‌ها، متناسب با اهداف پیش‌بینی شده سازمان‌ها بوده‌اند. شناسایی فرآیندهای اجتماعی شدن به سازمان‌ها و نهادها کمک می‌کند تا متناسب با اهداف و کارکردهای مورد انتظار سیستم‌ها، به طراحی فرآیندهایی بپردازند که منابع، ابزار و توانمندی لازم برای کارکرد مطلوب افراد در درون سیستم‌های اجتماعی را در اختیار آنان قرار دهد.

در علوم اجتماعی از فرآیندهای زمینه‌ساز پذیرش نقش‌های متناسب با مبانی و هنجارهای درونی نظام‌ها، با عنوان جامعه‌پذیری یاد می‌شود. به طور کلی در طی این فرآیندها افراد ویژگی‌های لازم برای عضویت و سازگاری با اجتماعی خاص را کسب می‌کنند. از این ویژگی‌ها با عناوینی چون هنجارها، ارزش‌ها و سایر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی یاد شده است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). «جامعه‌پذیری فرآیند یادگیری است که به واسطه آن، افراد دانش و مهارت، ارزش‌ها نگرش‌ها عادات و شیوه‌های فکری اجتماع متعلق به آن را کسب می‌کنند» (مهدیه و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۸). این فرآیند، به‌ویژه در نظام‌های سنتی، عموماً مبتنی بر فرآیندی پنج‌مرحله‌ای، شامل مشاهده، تکرار، بازخورد، اصلاح کنش و درونی کردن هنجارهای مورد تأیید اعضای نظام است؛ پس می‌توان گفت از ابعاد مهم جامعه‌پذیری، نهادینه شدن هنجارها و رفتارهای صحیح درون یک نظام و انتقال آن‌ها از نسلی به نسل دیگر است. استمرار این فرآیند به درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای اساسی یک نظام یاری می‌رساند و زمینه انتقال فرهنگ و مبانی درونی نظام‌ها را در طی زمان فراهم می‌کند و از این طریق، یکی از اسباب بقای جامعه و نظام‌ها می‌شود؛ زیرا از این راه است که افراد، آداب فعالیت در یک صنف را فرامی‌گیرند و می‌توانند به‌عنوان عضوی سازگار با سیستم حاکم عمل کنند و باعث استمرار ارزش‌های نظام در گذر زمان شوند. جامعه‌شناسان عقیده دارند افراد به شیوه‌های مختلفی

فرآیندهای اجتماعی شدن را برای فعالیت در جامعه‌ای خاص سپری و هنجارهای لازم را کسب می‌کنند. در عرصه هنر، ولف^۴ عقیده دارد «در همه دوره‌ها شیوه انتخاب شغل به‌وسیله هنرمندان و نویسندگان و در نتیجه ارزش‌ها و نگرش‌های خاصی که از زمینه‌های خانوادگی و طبقاتیشان به این شغل انتقال می‌دهند، بر نوع کاری که در مقام هنرمند انجام می‌دهند، تأثیر می‌گذارد... فرآیندهای نهادهای آموزشی نیز یحتمل شکل‌دهنده هنرمند هستند و بر مسیر رشد و پرورش او تأثیر می‌گذارند» (۱۳۸۹: ۱۷۹). بیشتر ویژگی‌های مورد انتظار از فرآیند جامعه‌پذیری، در نظام آموزش، قابل کسب است و نظام‌های مختلف همواره در آموزش هنجارهایی سازگار با مبانی درونی نظام، به افراد جامعه خود تلاش می‌کنند. منظور از آموزش در جامعه‌شناسی، انتقال دانش، مهارت و شیوه کنش‌های متقابل در موقعیت‌های مختلف به افراد است تا از این طریق اعضای جدید با چهارچوب‌های جامعه خودشان آشنا شوند. از این رو «جامعه‌شناسان بین آموزش به معنای عام و تحصیل مدرسه‌ای، فرق می‌گذارند. آموزش می‌تواند به‌عنوان یک سازمان اجتماعی تعریف شود که اکتساب مهارت‌ها، دانش و توسعه افق‌های فکری شخصی و ارتقای آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد و می‌تواند در زمینه‌های مختلفی شکل بگیرد. تحصیل اما پیوسته رسمی است و نوع مشخصی از دانش و مهارت، از طریق برنامه‌های درسی از پیش طراحی‌شده تحویل داده می‌شود. «در عرصه جامعه‌شناسی، آموزش کلید فهم جامعه‌پذیری دانسته می‌شود» (Giddens and Sutton, 2014: 80- 81)؛ پس می‌توان گفت «آموزش نهادی است اجتماعی که مسئولیت انتقال نظام‌مند دانش، مهارت و ارزش‌های فرهنگی را در قالب یک ساختار سازمان‌یافته برعهده دارد» (کندل، ۱۳۹۲: ۴۸۵). در طی فرآیند آموزش یا جامعه‌پذیری، فرد با هنجارها، ارزش‌ها و شیوه‌های پذیرفته‌شده فعالیت در درون میدان‌ها و یا جهان‌های اجتماعی آشنا می‌شود و مهارت لازم برای تعامل و هم‌زیستی با دیگر اعضای گروه را کسب می‌کند. از طرفی هرگاه فرد به هر دلیلی نتواند منابع، قواعد و اصول کافی برای فعالیت و مشارکت در گروه، مطابق با هنجارهای نهادینه‌شده

را کسب و درونی کند، کنش وی مغایر با کارکردهای مورد انتظار از آن نظام خواهد شد. در این صورت گفته می‌شود، فرآیند جامعه‌پذیری در چنین افراد یا گروه‌هایی دچار نقص شده‌است که پیامد آن کج‌روی یا انحراف از معیارهای مورد فوق‌نخبگان آن نظام خواهد بود.

توجه به نقش محوری فرآیندهای جامعه‌پذیری در انتقال هنجارهای درونی و مورد تأیید نخبگان در نظام‌های مختلف، نشان می‌دهد این فرآیندها به تناسب منابع و قواعدی که در اختیار تازه‌واردها قرار می‌دهند، در تداوم و یا تغییر در الگوهای کنش افراد تأثیر می‌گذارند. پژوهش حاضر نیز با پذیرش این واقعیت، نخست در پی شناسایی فرآیندهای جامعه‌پذیری طراحان قالی به‌عنوان هسته مرکزی نظام طراحی و تولید قالی تبریز و سپس تبیین تأثیر این فرآیندها در شیوه‌های طراحی قالی‌های معاصر این شهر است.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران متعددی از جمله صوراسرافیل (۱۳۸۱)، میرزایی (۱۳۹۵)، اقبالی (۱۳۹۲)، اکبری و دیگران (۱۳۹۳) و شری (۱۳۹۵)، با مطالعه در حوزه طراحی قالی‌های تبریز، وقوع تغییرات متوالی و روبه‌گسترش در این نظام را مورد تأیید قرار داده‌اند. از نظر این پژوهشگران، تنوع‌طلبی و تصور ابداع و نوآوری نزد طراحان قالی تبریز عامل اصلی در بروز تغییرات متوالی در طرح و نقش قالی‌هاست. در این بین صوراسرافیل در پژوهش جامع خود با عنوان «تبریز: شتابان در قطع ارتباط با گذشته‌ها»، یکی از ویژگی‌های قالی‌های اخیر این شهر را، به‌کارگیری طرح‌ها و رنگ‌های جدید و به‌تعبیری، ناشناخته دانسته‌است (۱۳۸۱: ۳۹۵). وی ضمن ارایه توصیفی مبسوط از وضعیت کنونی طرح و رنگ قالی‌های تبریز، این وضعیت را مغایر با سیر طبیعی تکامل و بلوغ طراحی قالی ایران دانسته‌است. میرزایی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر در این پژوهش‌ها با تأیید وقوع وضعیتی مغایر با اصول و مبانی هنر ایران در نظام طراحی قالی تبریز، تکیه‌گاه مستحکمی برای پژوهش حاضر، جهت تبیین رابطه میان فرآیندهای جامعه‌پذیری و گونه‌گونی طرح‌های قالی این شهر

فراهم ساخته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهشی جامع در این زمینه انجام نشده‌است.

روش پژوهش

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در جهت شناخت و هدایت فرآیندهای اجتماعی شدن هنرمندان فعال در نظام طراحی و تولید قالی تبریز و ارتقای جایگاه فرهنگی- هویتی قالی‌های تولیدی و منزلت اجتماعی طراحان قالی، مورد بهره‌برداری واقع شود؛ پس پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه‌های میدانی نیمه‌ساختمند، با تعداد بیست نفر از طراحان قالی‌های معاصر تبریز جمع‌آوری و در جهت اهداف پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. انتخاب جامعه آماری تحقیق به صورت گلوله‌برفی و از طریق مراجعه به چند نفر از طراحان قالی مطرح تبریز آغاز شد و با شناسایی گام‌به‌گام طراحان مطرح و شناخته‌شده قالی تبریز، تا حد اشباع نظری یافته‌ها ادامه یافت.

اطلاعات کمی به دست آمده از مصاحبه‌های میدانی، بعد از جمع‌بندی و گزارش اولیه، به صورت مفهومی درآمد و مورد تحلیل فرآیندی قرار گرفت. در تحلیل اطلاعات بخش کیفی، پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی محتوای آن‌ها، به تحلیل و تفسیر فرآیندی داده‌های حاصل با استفاده از قابلیت‌ها و تکنیک‌های مطرح در روش تحقیق "تحلیل محتوای کیفی" اقدام شد. مراحل اصلی این روش، شامل: الف. پیاده‌سازی متون مصاحبه، ب. برجسته‌سازی نکات اصلی و ج. برقراری پیوندهای تفسیری میان مقوله‌ها، براساس توالی زمانی رویدادهاست. این مراحل در پژوهش حاضر، با کدگذاری باز،

محوری و انتخابی در متن مصاحبه‌ها انجام شد. درنهایت، تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش، به صورت فرآیندی و توصیفی گزارش شد.

گزارش یافته‌ها

الف. یافته‌های کمی و گزارش مفهومی آن‌ها

۱. وضعیت سنی و تحصیلی: نتایج نشان دادند که توزیع سنی طراحان فعال قالی تبریز از ۳۱- ۷۵ سال بوده‌است و ۹۰ درصد این افراد از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نیستند. عدم وجود طراح زیر ۳۰ سال و با تحصیلات دانشگاهی در بین طراحان فعال و صاحب سبک، نشان از عامل و مؤثر نبودن دانش‌آموختگان رشته دانشگاهی فرش و طراحان جوان در نظام طراحی قالی تبریز دارد.^۵ این نتایج همچنین، نشان از عدم وجود انگیزه‌های کافی و یا فرصت‌های لازم جهت ورود افراد جوان و دانش‌آموخته به این صنف دارد. تداوم چنین روندی باعث بروز انقطاع نسلی میان طراحان قدیم و جدید و اختلال در روند طبیعی جامعه‌پذیری آن‌ها شده‌است. پیامد این روند، محدودیت در دسترسی نسل‌های آتی به اصول و معیارهای صحیح و سنتی کنش طراحی خواهد بود.

۲. مدت زمان و شیوه یادگیری حرفه طراحی قالی: ارزیابی مدت زمان یادگیری حرفه طراحی تا شروع فعالیت مستقل نشان داد تعداد ۱۱ نفر، معادل ۵۵ درصد طراحان، با مدت زمان کمتر از ۵ سال آموزش، بیشترین فراوانی مدت زمان آموزش را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۱). نکته قابل تأمل اینکه، از این تعداد، ۵ نفر، معادل ۲۵ درصد، با مدت زمان کمتر از ۱ سال آموزش، اقدام به فعالیت مستقل در این حرفه نموده‌اند.

جدول ۱- وضعیت مدت زمان آموزش طراحی در بین اعضای جامعه آماری نمونه (یافته‌های تحقیق)

زمان آموزش به سال	تا ۱ سال	۵	۶	۷	۱۰	۱۵	۲۰	۲۸	۳۰
فراوانی	۵	۶	۱	۲	۲	۲	۱	۱	۱
درصد	۲۵	۳۰	۵	۵	۱۰	۱۰	۵	۵	۵

استادشاگردی داشتند. ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان نیز اعلام کردند به شیوه خودآموز و بدون استاد این حرفه را یاد

در خصوص شیوه یادگیری حرفه طراحی قالی نیز، ۷۰ درصد، معادل ۱۴ نفر، اشاره به یادگیری این حرفه به صورت

گرفته‌اند. ۱ نفر نیز از طریق گذراندن مقطع کاردانی هنر، به فراگیری این حرفه اقدام کرده‌است. توجه به این نکته که ۵۵ درصد مصاحبه‌شوندگان، مدت زمان ۵ سال و کمتر را صرف آموزش، جهت یادگیری حرفه طراحی قالی - قبل از شروع فعالیت مستقل - نموده‌اند، نشان می‌دهد یادگیری ۷۰ درصدی مصاحبه‌شوندگان به صورت استادشاگردی با معیارهای آموزش در قالب این نظام تطابق ندارد و قابل تأمل است؛ زیرا معیارهای یادگیری در نظام آموزش سنتی استادشاگردی، از جمله لزوم تجربه‌اندوزی کافی، تا اخذ اجازه‌نامه فعالیت مستقل، احترام همیشگی به استاد، پیروی از سبک و شیوه استاد، ارزش داشتن تجربه و زمان گذشته، توجه به آداب معنوی کار و... باعث می‌شد هنجارهای صحیح و سنتی نظام طراحی قالی در طی نسل‌ها تداوم یابد (اژند: ۱۳۸۰، ۹).

۳. نوع ورود به حرفه و رضایت‌مندی شغلی: ارزیابی نوع ورود به نظام طراحی قالی نشان داد، تنها ۳۵ درصد مصاحبه‌شوندگان، شغل خانوادگی و پدری خود را انتخاب کرده‌اند. این آمار نشان‌دهنده کاهش انگیزه و رغبت طراحان پیشکسوت در ترغیب فرزندان برای ورود به این شغل است و حکایت از تغییر در معیارها و مبانی نظام استادشاگردی در این صنف دارد؛ به طوری که سؤالات تکمیلی در این زمینه نشان داد تعداد ۱۶ نفر، معادل ۸۰ درصد، از موقعیت شغلی خود رضایت ندارند و این شغل را به دیگران نیز توصیه نمی‌کنند. ورود ۶۵ درصدی طراحان به این نظام، بدون سابقه خانوادگی و با تجربیات زیسته و اجتماعی متفاوت، نشان از افزایش شکاف بین‌نسلی و اختلال در روند آموزش، به‌ویژه شیوه استادشاگردی در نظام طراحی قالی تبریز دارد. از طرفی این پدیده باعث تسهیل ورود معیارها، ایده‌ها و انگیزه‌های متنوع به این نظام شده و گونه‌گونی در مؤلفه‌های بصری قالی‌ها را در پی داشته‌است.

تحلیل فرآیندی داده‌های کمی نشان می‌دهد حرفه طراحی قالی دست‌بافت در تبریز به علل مختلفی از جمله نارضایتی از شرایط اقتصادی حاکم بر بازار، فاقد جذابیت‌های شغلی کافی بوده و نارضایتی شغلی را در میان طراحان قالی به‌دنبال داشته‌است. عدم رضایت شغلی در میان افراد و گروه‌ها، معضلاتی را به‌همراه دارد که در رأس آن‌ها می‌توان به

پایین آمدن راندمان بهداشت اجتماعی اشاره کرد. «پایین آمدن بهداشت اجتماعی در سطح عمومی در رشته‌های مختلف، به اشکال گوناگون بروز می‌کند؛ اما در حوزه‌های مربوط به فرهنگ و هنر منجر به آسیب‌های وسیع می‌شود که اهمیت این آسیب‌ها را باید در ارتباط محصولات این هنرمندان با توده‌ها و لایه‌های مختلف جامعه دانست» (آزاده‌فر، ۱۳۸۸: ۱۲۰). تداوم چنین روندی انگیزه‌های لازم برای ورود قشر جوان به این حوزه را تضعیف کرده و با بالارفتن سن طراحان فعال، انقطاع نسلی را در نظام طراحی قالی تبریز در پی داشته‌است.

ب. یافته‌های کیفی

تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام شده برای شناخت وضعیت حاکم بر نظام طراحی قالی تبریز و فرآیندهای آموزش و جامعه‌پذیری طراحان قالی، این گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ را تأیید می‌کند که «وضع طرح و رنگ، به‌ویژه بعد از انقلاب، خراب شده‌است و اصلاً خوب نیست». از مصادیق و مظاهر این پدیده "ضعف در طراحی و ترکیب‌بندی نقوش" است که به نوعی در کلام همه مصاحبه‌شوندگان دیده می‌شد. در چنین شرایطی طراحان کم‌تجربه یا فاقد قدرت و قوت قلم نیز برای حفظ خود در بازار، آگاهانه و یا ناآگاهانه اقدام به تقلید از الگوهای برتر و موفق بازار می‌کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ اعتقاد دارد «طراح برای اینکه از جو بازار عقب نماند، به شبیه‌سازی طرح رایج در بازار پناه می‌آورد؛ البته می‌دانیم که این خودش یک ایراد است و باعث تکثیر بیش از اندازه یک طرح می‌شود». ضعف در طراحی و ترکیب‌بندی باعث می‌شود طراحان قالی با "توسل به رنگ برای پوشش ضعف‌های طراحی"، به کارهای خود سبک و شخصیت متمایزتری بدهند. تکرار و گستردگی این روند، باعث تنوع، سیالیت و کثرت رنگ در قالی‌های تبریز شده‌است؛ به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۵ ادعان دارد «مروزه طراحی فرش، تبدیل به نقاشی شده‌است و رنگ‌آمیزی خیلی مهم است»؛ البته شیوع رنگ‌های بدیع و غیر مرسوم در قالی‌های تبریز، با وجود طراحانی چون طراح شماره ۲۰ که می‌گوید «عشقم این است که هر بار یک رنگ تازه در زمینه استفاده کنم؛ اصلاً

دوست دارم همه چیز را تازه ببینم»، دور از ذهن نیست. از آنجا که لازمه استفاده از رنگ‌های متنوع و جدید، روی آوردن به طرح‌های طبیعت‌گرا و عمق‌نماست، گرایش به استفاده از رنگ‌های بدیع و متنوع در قالی تبریز، باعث شده‌است به گفته طراح شماره ۴، «امروزه رنگ مهم‌تر از طرح شود و اولویت اول با رنگ‌های طبیعت‌گرا باشد».

تحلیل فرآیندی فوق که مبتنی بر مقوله‌های مستخرج از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، تنظیم شده‌است، توصیفی از فضای حاکم بر دنیای طراحی قالی معاصر تبریز را نشان می‌دهد. در چنین فضایی، با ورود ساختارهای بازار و در دسترس نبودن قواعد و منابع لازم برای مقابله و یا تعدیل این ساختارها، طراحان قالی، تمام تلاش خود را برای بقا در بازار، حتی به بهای کنار گذاشتن اصالت‌ها و مبانی هویتی طراحی سنتی قالی که طی قرن‌ها، سرمایه و مزیت رقابتی قالی ایران و تبریز بوده‌است، انجام می‌دهند. در چنین فضایی، علی‌رغم تظاهر طراحان به وفاداری به اصالت‌ها و مبانی هویتی طرح‌های سنتی، مصاحبه‌های عمیق و نیات درونی جامعه آماری نمونه تحقیق نشان داد، رویکرد در حال گسترش در نظام طراحی قالی تبریز، این نظر طراح شماره ۱۱ است که عقیده دارد «فرش کالای تجاری است و اصالت و کلاسیک غلط است». در چنین فضایی است که «بافنده یا طراح امروزی، دیگر شیوه گذشتگان را در به‌کارگیری و تکرار موتیف‌های سنتی برای شباهت بیشتر به نمونه‌های قبلی و تحسین سایر هم‌صنفان دنبال نمی‌کند؛ بلکه با محاسبات خویش در تلاش برای یافتن و امتحان کردن شیوه‌هایی هست که خوشایند کسانی باشند که برای بازارهای خارجی خرید می‌کنند. این تغییر گرایش باعث تغییرات آشکار در کیفیات عمومی قالی‌ها، مانند ترکیب نگاره‌ها و انتخاب رنگ‌ها شده‌است» (Spooner, 2011: 218).

در تبیین بروز چنین وضعیتی در نظام طراحی قالی تبریز، می‌توان گفت میزان دسترسی هنرمندان طراح به منابع معتبر و آگاهی آنان از قواعد نهادینه‌شده طراحی قالی، نقش مهمی در کیفیت و سازگاری طرح‌های آنان با شیوه‌های مرسوم و پذیرفته‌شده طراحی قالی دارد. این یک قاعده کلی است و اصولاً فرآیندهای جامعه‌پذیری نیز به همین منظور تعریف

و سامان‌دهی می‌شوند. با پذیرفتن این قاعده کلی، سؤالاتی بر محور شناسایی منابع و مشرب‌های طراحان قالی تبریز در خلال مصاحبه‌ها طرح شد و مصاحبه‌شوندگان در قالب اظهارات متنوعی، از آشفتگی، سیالیت و نارسایی در منابع لازم برای کنش طراحی و نیز ناآگاهی خود از قواعد صحیح کنش طراحی پرده برداشتند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، با گلایه از کمبود منابع قابل استفاده برای طراحی، می‌گوید «کتاب و منابع مکتوب قابل استفاده، به جز کتاب آقای پاکدست، در بازار نیست و بقیه قابل استفاده در طراحی فرش نیستند». در این بین، گروهی از طراحان هستند که به دلیل تعلیم طولانی مدت نزد اساتید باتجربه و قدیمی و کسب قواعد و منابع کافی که در نظام آموزش سنتی، به آن دست یافته‌اند، ضمن پذیرفتن ضرورت ایجاد تغییر در جلوه‌های بصری نقشه‌های قالی متناسب با نیازهای معاصر، بر حفظ سنت‌ها و پایمال‌نشدن آن‌ها نیز اهتمام دارند. مصاحبه‌شونده شماره ۵ که از اساتید سنتی و اهل مطالعه است، عقیده دارد «اگر طراح به اصول و مبانی سنتی دوره کلاسیک و صفوی آشنا باشد، می‌تواند اصالت‌ها را حفظ کند و فقط با اندکی تغییر در کلیات و عدم تخریب اصالت‌ها، نوآوری هم بکند؛ مثل طراح شماره ۱۰ که همه کارهایش تازگی دارد؛ چون مزه و نمکش را زیاد و خوشگل‌ترش کرده است؛ در عین حال که اصول همان است». همین طراح شماره ۱۰ که در بین جامعه طراحان نیز قابل احترام است، عقیده دارد «اصولاً طراحان، چون از نقوش قدیمی و اصیل اطلاعاتی ندارند، نقوش امروزی را می‌آورند و موفق هم نمی‌شوند؛ چون فرش‌ها شبیه فرش ماشینی می‌شود». طراح شماره ۱۹ نیز که از طراحان کلاسیک و خوش‌نام بازار است، در این زمینه می‌گوید: «شاگردان و طراحان جوان در طراحی دقت ندارند و سهل‌انگاری می‌کنند. سطح طراحی تبریز خیلی مبتذل است و هر کسی می‌آید و می‌گوید من طراح هستم. الان یکی اسب می‌کشد مثل موش، یا بهرام‌گور را روی اسب می‌کشد که پاهایش به زمین چسبیده‌است. الان درس نیست، استاد نیست، طراحان، استاد نمی‌بینند. الان فقط کسانی که کمی شاگردی کرده‌اند

و یا از پدرشان چیزی یاد گرفته‌اند کمی بلدند».

طراحان جامعه آماری نمونه تحقیق، هر یک به‌نوعی با اذعان به ضعف خود در طراحی سنتی، بر لزوم بازآموزی و اهمیت یادگیری اصول و قواعد طراحی سنتی تأکید دارند. فیهوای کلام این افراد را در این اظهار نظر طراح شماره ۵ می‌توان یافت که عقیده دارد «همه ما نیاز به آموزش‌های کوتاه‌مدت داریم. طراحان نیاز به دیدن و دست‌یابی به قواعد و منابع دارند؛ مثل بقعه شیخ‌صافی اردبیلی و میدان نقش جهان اصفهان».

برآیند اظهارات متنوع جامعه آماری مقوله‌هایی چون «ضعف سیستم آموزش و محدودیت در دسترسی به قواعد و منابع صحیح»، «نارسایی‌های گسترده در فرآیند جامعه‌پذیری طراحان قالی تبریز» و «فقدان قواعد انتظام‌بخش نظام» هستند که نشان از وجود تنوع و عدم انسجام در فرآیند جامعه‌پذیری طراحان دارد. در پی این نارسایی‌ها، نقش نظام آموزش و جامعه‌پذیری طراحان در شکل‌دادن و انسجام‌بخشی به کنش‌های اساتید و شاگردان، در تعاملی دوسویه و بر پایه قواعد و معیارهای نهادینه‌شده نظام، آشکار می‌شود. از آنجاکه خود همین معیارها و مبانی نیز هم‌زمان با استفاده توسط شاگردان و شکل‌دادن به کنش‌های آنان، بازتولید هم می‌شوند؛ پس می‌توان گفت که این همان دوگانگی ساختار و توان‌ساز بودن آن در عین ایجاد محدودیت است.

با کم‌رنگ‌شدن جایگاه فرآیندهای سنتی، جامعه‌پذیری و آداب استادشاگردی متناسب با این نظام، طراحان معاصر قالی تبریز به تدریج از قید الزامات پنهان و آشکار جامعه طراحان رها می‌شوند و ضوابط معنوی و صنفی نظام سنتی طراحی قالی را کنار می‌گذارند. از این‌رو است که طراح شماره ۴ عقیده دارد «عالم هنر، عالم آزادی است و نباید هنرمند را محدود کرد». در چنین فضایی سه عنصر اصلی و محوری آموزش یعنی استاد، دانشجو و دانش نیز دچار التقاط می‌شود و در پی سیالیت قواعد و منابع کنش طراحی عرضه‌شده در این نظام، فرآیند جامعه‌پذیری و الگوهای کنش طراحان قالی تبریز نیز دچار تحول و دگرگونی می‌شود. وجود چنین تنوعی در شیوه‌های جامعه‌پذیری طراحان، ضمن تضعیف قدرت و توانمندی آنان در مواجهه با ساختارهای پیرامونی، باعث دگرگونی در مفاهیم

اصالت و فرهنگ شده و فردمحوری و شخصی‌سازی کنش‌ها در قالب عناوینی چون ابداع و نوآوری و مخاطب‌محوری را موجب شده‌است. اینگونه است که طراح شماره ۵ عقیده دارد که «مجبوریم تابع شرایط بازار باشیم و از آن‌ها پیروی کنیم؛ چون از خودمان قواعد و منابع - مالی - کافی نداریم».

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، شناخت فرآیندهای جامعه‌پذیری و تبیین رابطه میان نوع نظام آموزش و کیفیت الگوهای کنش طراحان قالی و مطالعه رابطه این نظام با الگوهای کنش طراحان قالی این شهر بود. نتایج نشان دادند، فرآیند جامعه‌پذیری کنونی طراحان قالی تبریز مشکلات متعددی دارد. اغلب طراحان قالی به شیوه‌های غیر نظام‌مند و بدون طی کردن سلسله‌مراتب شاگردی تا دستیاری و استادی و با حذف همه و یا بخشی از این مسیر، به‌طور مستقل، به یادگیری کنش طراحی اقدام می‌کنند. این افراد صرفاً با سطوح متفاوتی از مهارت و بدون تأیید و تصدیق استاد و یا نظارت نهادهای مرتبط، اقدام به فعالیت در این نظام می‌کنند. آن‌ها چون از جامعه‌پذیری لازم برای فعالیت در یک نظام تولید فرآورده‌های سنتی و حاوی پیوندهای غنی فرهنگی برخوردار نیستند، آگاهی لازم در مورد اصول و قواعد صحیح و سازگار با مبانی فرهنگی و بومی کنش طراحی را نیز ندارند؛ به عبارتی، فرآیند جامعه‌پذیری طراحان قالی در دوره معاصر، بیش از آنچه از هنجارها و ساختارهای سنتی و اصیل قوام‌یافته در نظام سنتی طراحی قالی تبریز ریشه گرفته باشد، تحت تأثیر سیالیت شیوه‌های آموزش و ورود به این نظام قرار گرفته و تغییر در الگوهای کنش طراحان را سبب شده‌است. بر این اساس و در تأیید فرضیه‌های پژوهش، می‌توان گفت وقوع تغییرات متناوب در الگوهای کنش طراحان قالی معاصر تبریز، نتیجه سیالیت در فرآیندهای جامعه‌پذیری طراحان قالی تبریز است؛ پس با توجه به نقش محوری نوع جامعه‌پذیری در استمرار و یا تغییر کنش‌های افراد، ارتباط مستقیمی میان مبانی و اصول پنهان و آشکار نظام‌های آموزش و شیوه کنش‌مندی طراحان قالی تبریز وجود دارد.

از ابعاد مهم جامعه‌پذیری، نهادینه‌شدن هنجارها و رفتارهای صحیح درون یک نظام و انتقال آن‌ها از نسلی به نسل دیگر است. استمرار این فرآیند به درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای اساسی یک نظام کمک می‌کند و زمینه انتقال فرهنگ و مبانی درونی نظام‌ها و تداوم آن‌ها را طی زمان فراهم می‌نماید؛ زیرا از این طریق است که افراد، آداب فعالیت در یک صنف را فرامی‌گیرند و می‌توانند به‌عنوان عضوی سازگار با سیستم حاکم، عمل کنند. اندیشمندان اجتماعی نیز عقیده دارند، استفاده مستمر کنشگران از قواعد و معیارهای مشترک یک نظام، باعث تداوم هنجارهای آن نظام در گستره زمان و مکان خواهد شد؛ در نتیجه بر اهمیت نظارت بر فرآیند جامعه‌پذیری عاملان در کمک به تداوم نظام‌ها و توسعه زمانی و مکانی آن‌ها تأکید می‌کنند.

یافته‌ها نشان می‌دهند جهت انسجام‌بخشی به وضعیت کنونی در نظام طراحی قالی تبریز و تقویت و تحکیم پیوندهای قوام‌بخش به کنش‌های طراحان قالی، جهت استمراربخشی زمانی و مکانی به آن‌ها، بایستی به بازآموزی استانداردها و معیارهای صحیح کنش‌مندی مبتنی بر قواعد نظام طراحی سنتی قالی ایران در میان طراحان قالی اقدام کرد؛ موضوعی

منابع

۱. آذریاد، حسن؛ حشمتی رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۳). *فرش‌نامه ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. آزادفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). «کارایی نهادهای آموزش هنری بر بنیان متغیرهای اقتصادی». *آموزش عالی ایران*، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۳۶.
۳. آژند، یعقوب. (۱۳۸۰). «نظام سنتی استادشگردی در نقاشی ایران». *هنرهای زیبا*، شماره ۱۰، صص ۴-۱۲.
۴. استیلر، دن و فرن تونکیس. (۱۳۹۰). *جامعه بازار و نظریه اجتماعی مدرن*. مترجم: حسین قاضیان، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۵. اقبالی، مولود. (۱۳۹۲). «اصول طرح، نقش و رنگ فرش‌های معاصر تبریز». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرش*، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۶. اکبری، فاطمه؛ حسن‌پور نامی، جواد؛ چرخ، رحیم. (۱۳۹۳). *بازشناسی طراحی اصیل فرش تبریز به‌منظور اصلاح تولیدات معاصر*. طرح پژوهشی ملی چاپ‌نشده، کد ۹۰۰۷۰۲۳، تهران: صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران.
۷. بکر، هوارد. (۱۳۸۹). «جامعه هنری و فعالیت‌های مشترک». چاپ شده در *مبانی جامعه‌شناسی هنر*، به کوشش: علی رامین، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۸. پیرسون، کریستوفر. (۱۳۸۴). *معنای مدرنیت، گفتگو با آنتونی گیدنز*. مترجم: علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر.
۹. دانشگر، احمد. (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع فرش*. تهران: یادواره اسدی.

که همواره به‌نوعی در کلام مصاحبه‌شوندگان نیز مشهود بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Slater & Tonkiss
2. Becker, Howard
3. Pierson, Christopher
4. Wolff, Janet

۵. لازم به توضیح است که بررسی‌های میدانی بیشتر نگارنده در زمینه چرایی قرارنگرفتن طراحان جوان و دانشگاهی در بین بیست طراح نخست و پُرکار قالی دست‌بافت تبریز، نشان داد، علی‌رغم فعال بودن بخش قابل توجهی از دانش‌آموختگان فرش در بخش‌های طراحی رایانه‌ای و نرم‌افزاری قالی‌های ماشینی، فقط تعداد انگشت‌شماری دانش‌آموخته دانشگاهی فرش در نظام طراحی قالی دست‌بافت تبریز و آن هم در قالب دستیار طراح و یا نقطه‌کار، فعالیت دارند؛ در نتیجه تأثیر نظام دانشگاهی در کیفیت طراحی قالی دست‌بافت معاصر تبریز، مشهود و ملموس نیست و چرایی این پدیده، نیازمند پژوهشی مستقل است.

۱۰. راوودراد، اعظم؛ فاضل، عاطفه. (۱۳۹۴). «عوامل اجتماعی مؤثر بر تبدیل سفال از صنعت به هنر در ایران». *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره نهم، شماره ۳، صص ۵۴-۷۹.
۱۱. سلیمی، علی؛ داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کج‌روی*. چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. شری، رضا (۱۳۹۵). «پژوهشی در رنگ قالی‌های معاصر تبریز در طی هفتادسال اخیر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۳. صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۸۱). *طراحان بزرگ فرش ایران*. چاپ دوم، تهران: پیکان.
۱۴. کندال، دیانا. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی معاصر*. مترجم: فریده همتی، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۵. مهدیه، عارفه؛ همتی، رضا؛ دادمیر، ابوعلی. (۱۳۹۵). «فرآیندهای جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری: مورد؛ دانشگاه اصفهان». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره بیست‌ودوم، شماره ۱، صص ۴۵-۷۳.
۱۶. میرزایی، عبدالله، (۱۳۹۵)، ساخت یابی عوامل مؤثر در شکل‌گیری مولفه‌های سبکی قالی‌های معاصر تبریز، رساله دکتری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده هنر اسلامی.
۱۷. میرزایی، عبدالله؛ عارف‌پور، فاطمه. (۱۳۹۲). فاطمه. (۱۳۹۲). «معرفی و بررسی انواع روش‌های تهیه نقشه فرش در تبریز». *جلوه هنر*، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۷۷-۸۶.
۱۸. ولف، جنت. (۱۳۸۹). «تولید اجتماعی هنر». چاپ شده در *مبانی جامعه‌شناسی هنر*، به کوشش: علی رامین، چاپ دوم، تهران: نشر نی، صص ۱۵۸-۱۸۷.

Giddens, A & Sutton, P. (2014) *Essential Concepts in Sociology*, London: Polity Press.

Kopytoff, Igor. (2011), *the cultural biography of things: commoditization as process*, printed in: *The social life of things: commodities in cultural perspective*, Edited by Arjun Appadurai, (9th nd. Ed). New York: Cambridge university press.

Spooner, Brian. (2011), *Weavers and Dealers: the authenticity of an oriental carpet*, printed in: *The social life of things: commodities in cultural perspective*, Edited by Arjun Appadurai, 9th printing. New York: Cambridge university press.